

مقایسه قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه در درس فارسی پنجم ابتدایی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی

دکتر یوسف ادیب*

زهرا شریفی**

نظیره محمودی***

چکیده

یکی از راههای تعیین سطح خوانایی کتابهای درسی و تشخیص متناسب بودن متن با توانایی دانش آموزان، اندازه‌گیری قدرت خوانایی متن است که عوامل مهمی همچون خود یادگیرنده و کتاب درسی (فونت، شکلها و اندازه متن و...) را در نظر می‌گیرد. هدف از نگارش این مقاله بررسی قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه (فارسی زبان) و دو زبانه (کرد و آذری زبان) و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی است. این تحقیق با روش علی-مقایسه ای انجام شده است. ۴۳۰ دانش آموز پنجم ابتدایی یک زبانه فارسی و دو زبانه آذری و کرد زبان به منزله نمونه آماری در سه شهر تهران، مهاباد و مراغه با روش نمونه‌گیری خوشه ای انتخاب شده اند. شمار نمونه‌ها در این شهرها به ترتیب ۱۵۳، ۱۴۵ و ۱۳۲ بوده است. برای اندازه‌گیری قدرت خوانایی دانش آموزان از آزمون کلوز و برای پیشرفت تحصیلی از آزمون معلم ساخته که دارای روایی و پایایی لازم بودند، استفاده شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که میان قدرت خوانایی دانش‌آموزان یک زبانه و دو زبانه تفاوت معنادار وجود دارد و یک زبانه‌ها قدرت خوانایی بالاتری دارند، اما میان قدرت خوانایی دو زبانه‌های آذری و کردزبان، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد که میان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (یک زبانه و دو زبانه) نیز تفاوت وجود دارد و همبستگی معناداری میان قدرت خوانایی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان (یک زبانه و دو زبانه) وجود دارد؛ بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که متن کتاب فارسی پنجم متناسب با سطح توانایی دانش‌آموزان دو زبانه نیست و متن از نظر سطح خوانایی بالاتر از سطح توانایی دانش‌آموزان دو زبانه است، اما متن کتاب برای دانش‌آموزان یک زبانه مناسب است.

کلید واژگان: قدرت خوانایی، دو زبانه‌گی، پیشرفت تحصیلی، کتاب فارسی

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۷

Yousef_Adib@yahoo.com

z.sharifi83@yahoo.com

nazireh.m@yahoo.com

* استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز

** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

*** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تبریز

مقدمه

مهارت خواندن از ارکان زبان آموزی و یادگیری دانش آموزان به شمار می‌رود و مهارتی است که برای یادگیری مطالب درسی و بهبود آموزش بدان نیازمندیم. مهارت در خواندن یکی از مهم‌ترین نیازهای یادگیری دانش‌آموزان در زندگی امروزی است. توانایی درک مطلب، تفسیر و استنتاج از متون درسی و غیر درسی، دانش‌آموزان را با افکار و اطلاعات جدید آشنا می‌کند و به آنان یاری می‌رساند تا بهتر اندیشیدن و بهتر زیستن را بیاموزند. خواندن معطوف به درک مطلب نوشته شده و شناخت ارزشها و معانی و مفاهیم کلمات، عبارات، جملات و دریافت دانستنیها و معنا و مقصود پیامی است که نویسنده با به کارگیری نشانه‌ها و رمزهای کلامی آن را نوشته است. به طور کلی یادگیری مهارت خواندن کلید همه یادگیریهاست، زیرا اغلب یادگیریهای درسی از این طریق صورت می‌پذیرد.

خواندن یکی از سه مهارت اصلی است که مورد تأکید طرفداران نظریه شناختی برنامه درسی، به ویژه کارل برایت^۱ است (میلر^۲، ۱۳۸۹). مهم‌ترین شیوه آموختن و کسب دانش و آگاهی در انسان از طریق خواندن اتفاق می‌افتد که جزو پیشرفته‌ترین و پیچیده‌ترین تواناییها و فعالیتهای ذهنی انسان نیز به شمار می‌رود. در مدرسه، خواندن جزو یکی از موضوعات اساسی و متفاوت یادگیری است. توانایی در خواندن به‌طور کارآمدی سبب افزایش توانایی و عملکرد شناختی فرد می‌شود (پرکیم و آگبور^۳، ۲۰۱۲).

خواندن، از مهم‌ترین مهارتهایی است که کودکان در دوره ابتدایی، آن را می‌آموزند و اساس یادگیریهای آنان در دوران تحصیل است. خواندن و مطالعه، مقوله ساده ای نیست، بلکه فرآیندی بسیار پیچیده است که مراحل گوناگون دارد. همچنین خواندن، فعالیتی هدفمند است که مستلزم تنظیم فعالیتهای شناختی گسترده برای رمزگشایی، درک و یادگیری از متون است (مهدی زاده، فیضی و اسلام پناه، ۱۳۹۰).

در واقع خواندن فرآیند رشد و تکلم زبان است، بدین معنا که فعالیت خواندن از زمانی آغاز می‌شود که با دیدن یا لمس کردن شیء یا تصویری، کلمه یا نماد آن برای کودک تداعی می‌شود. خواندن و قدرت خوانایی یکی از عوامل مؤثر در یادگیری هر فرد است. سهولت خواندن و درک

1. Carl Braytr
2. Miller
3. Perekeme & Agbor

متون دشوار کتابهای درسی به منزله قدرت خوانایی تعریف شده است (زیریکی^۱، ۲۰۰۹). قدرت خوانایی یکی از عوامل اصلی درک یک موضوع از سوی دانش آموزان به شمار می آید.

مشکلات خواندن ساده ترین نشانه ای است که از طریق آن می توان شکست کودک را در بسیاری از زمینه های تحصیلی از جمله پیشرفت تحصیلی پیش بینی کرد. مطالعات بسیار در دیگر کشورها در زمینه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، پیشرفت سواد خواندن و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است. نتایج منتشرشده مطالعه جهانی پرلز نشان می دهد که میان تحصیلات والدین، میزان مطالعه والدین، نگرش اولیا به خواندن، نگرش دانش آموز نسبت به خود به منزله یک مطالعه کننده خوب و آموزش پیش از دبستان با پیشرفت سواد خواندن همبستگی مثبت وجود دارد (کریمی، ۱۳۸۷ الف).

یافته های به دست آمده در ایران نیز نشان داده است که عواملی چون ویژگیهای دانش آموز مانند خودپنداره، نگرش دانش آموز نسبت به خواندن، نگرش اولیا نسبت به خواندن، صحبت کردن به زبان فارسی در خانه، میزان مطالعه والدین، سطح تحصیلات والدین و رابطه میان خانه و مدرسه با پیشرفت در سواد خواندن مرتبط است. همچنین دانش آموزانی که هر روز یا تقریباً هر روز بیرون از کلاس و مدرسه، داستان یا رمان می خوانند نسبت به دانش آموزانی که هرگز یا تقریباً هیچ وقت داستان نمی خوانند، عملکردی بهتر دارند (کریمی، ۱۳۸۷ ب).

در تحقیقی که کیامنش و نامداری (۱۳۹۰) بر اساس آزمون پرلز انجام دادند این نتیجه حاصل شد که رابطه ای معنادار میان سواد والدین و ابعاد تفسیری و استنباط مستقیم خواندن دانش آموزان وجود دارد. همچنین رابطه ای معنادار میان خودپنداره خواندن دانش آموز و ابعاد تفسیری و استنباط مستقیم درک مطلب خواندن مشاهده شد.

یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ایرانی، یادگیری زبان فارسی است. از این رو احتمال دارد که یکی از علل مردودی و تکرار پایه، به ویژه در دوره ابتدایی، ضعف یادگیری زبان فارسی باشد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، متأسفانه توجه به خواندن و قدرت خوانایی و نقشی که مهارت خواندن در پیشرفت تحصیلی و یادگیری زبان فارسی ایفا می کند، ناکافی بوده و براساس پژوهشهای اشاره شده، اگر این نقیصه برطرف نشود، ممکن است در پی آن

مسائل بسیار از جمله افت تحصیلی و مردودی پیش بیاید، البته چنین مشکلی در مناطق دوزبانه، به دلیل تفاوت زبان مادری با زبان آموزش رسمی چشمگیرتر خواهد بود.

از میان دروس دوره ابتدایی دو درس دیکته و خواندن زبان فارسی از اهمیتی ویژه برخوردارند، زیرا فراگیری این دو درس، آغاز باسواد شدن دانش آموزان است. دانش آموزان مناطق دو زبانه به ویژه در دو پایه اول ابتدایی در فراگیری زبان فارسی چه از نظر گفتاری و شنیداری و چه از نظر سوادآموزی و سایر دروس با مشکل مواجه‌اند؛ در صورتی که این مسائل، دامن‌گیر دانش آموزان فارسی زبان نمی‌شود. این شرایط ناشی از کتابها و روش آموزش یکسان در سراسر کشور است که بدون توجه به اختلافات زبانی دانش آموزان ارائه می‌گردند (طباطبایی و باقری، ۲۰۱۳).

در پژوهشهایی که ادیب (۱۳۷۲) انجام داده، مشخص شده است که آموزش قبل از دبستان بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان یک زبانه و دو زبانه تأثیری متفاوت دارد و این تأثیر در دروس فارسی، دیکته، ریاضی و معدل کل به نفع دانش‌آموزان دو زبانه است.

بر اساس یافته‌های تحقیق نجفی پازوکی و همکاران (۱۳۹۲)، خوانندگان ماهر چون تجربه‌های اولیه مثبتی نسبت به فرآیند خواندن کسب می‌کنند و بازخوردهای شناختی تقویت‌کننده بیشتری از خود و دیگران اخذ می‌کنند و به فرآیند خواندن علاقه بیشتری نشان می‌دهند، بیشتر تلاش می‌کنند، مهارت بیشتری کسب می‌کنند و پردازشهای نحوی را با سرعت، دقت و اعتماد به نفس بیشتری انجام می‌دهند.

همچنین نتایج تحقیق سبجانی، احمدی و صفریور (۱۳۹۱) نشان می‌دهد: الف) در بعد متون اطلاعاتی، بین مهارت خواندن دانش آموزان دو زبانه ای که آموزش راهبردهای فراشناخت را دریافت کرده‌اند، با دانش آموزان دو زبانه‌ای که این آموزش را دریافت نکرده‌اند، تفاوت معنادار وجود دارد. ب) در بعد متون ادبی، میان مهارت خواندن دانش‌آموزان دو زبانه ای که آموزش راهبردهای فراشناخت را دریافت کرده‌اند با دانش آموزان دو زبانه ای که این آموزش را دریافت نکرده‌اند تفاوت معنادار وجود دارد و ج) آموزش راهبردهای فراشناخت بر مهارت خواندن دانش‌آموزان در طول زمان از پایداری مناسبی برخوردار است.

دیباچی صابر (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «انطباق محتوای کتب فارسی جدید دوره ابتدایی پایه‌های سوم و چهارم ابتدایی با مهارت سواد خواندن بر اساس مطالعه بین‌المللی پرلز در بخش تحلیل محتوای کتابهای بخوانیم و بنویسیم پایه سوم و چهارم ابتدایی» چنین بیان می‌دارد که میزان انطباق محتوای کتابهای درسی با مهارت اصلی درک مطلب بر اساس مطالعه پرلز متفاوت

است و فرآیندهای تمرکز و بازیابی اطلاعات، نتیجه‌گیری مستقیم، و بررسی و ارزیابی محتوا در کتاب فارسی چهارم بیشتر از پایه سوم مورد تأکید است و بیشترین مشکل آنها در تفسیر و تلفیق اطلاعات است.

در زمینه استنباط توانایی خواندن با سطح دشواری متن، تحقیق آیودل^۱ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که توانایی خواندن و درک دانش‌آموزان ارتباطی مستقیم با سطوح دشواری کتابهای درسی دارد و کتابهای درسی باید متناسب با سطح درک دانش‌آموزان و همراه با هجاها و جملات کوتاه ارائه شوند تا توانایی خواندن در میان دانش‌آموزان افزایش یابد.

با توجه به مباحث نظری و پژوهشهای انجام یافته، به نظر می‌رسد که عامل زبان (دو زبانی و تک زبانی)، نقشی تعیین کننده در پیشرفت تحصیلی و قدرت خوانایی یادگیرندگان به‌ویژه در دوره ابتدایی ایفا می‌کند. لذا با توجه به اهمیت قدرت خوانایی در کسب سواد و پیشرفت تحصیلی به‌ویژه در میان دانش‌آموزان دو زبانه، هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه قدرت خوانایی در یک گروه از دانش‌آموزان یک زبانه (فارسی زبان) با دو گروه از دانش‌آموزان دو زبانه (آذری و کرد زبان) و بررسی رابطه قدرت خوانایی با پیشرفت تحصیلی است. نتایج این پژوهش می‌تواند ضمن مشخص کردن نقش متغیر دوزبانی و تک زبانی در توانایی خوانایی و عملکرد تحصیلی، اطلاعات مفیدی را در اختیار دست اندرکاران تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان درسی قرار دهد.

سؤالات پژوهش

۱. میزان قدرت خوانایی دانش‌آموزان یک زبانه و دوزبانه در درس فارسی پنجم ابتدایی^۲ چگونه است؟
۲. آیا بین قدرت خوانایی دانش‌آموزان یک زبانه و دو زبانه در درس فارسی پنجم ابتدایی تفاوت وجود دارد؟
۳. میزان پیشرفت تحصیلی درس فارسی دانش‌آموزان چهارم ابتدایی یک زبانه و دو زبانه چگونه است؟

1. Ayodele

۲. در این پژوهش، انتخاب پایه پنجم ابتدایی به این دلیل بوده است که این پایه، در زمان اجرای پژوهش، آخرین پایه دوره ابتدایی محسوب می‌شد، بنابراین انتظار می‌رفت که دانش‌آموزان به اندازه کافی تواناییهای لازم را در خواندن کسب کرده باشند. ضمن اینکه نتایج پژوهش می‌توانست وضعیت دروندادهای دانش‌آموزی دوره بعدی را مشخص نماید.

۴. آیا بین پیشرفت تحصیلی درس فارسی دانش آموزان چهارم ابتدایی یک زبانه و دو زبانه تفاوت وجود دارد؟

۵. آیا بین قدرت خوانایی با پیشرفت تحصیلی درس فارسی دانش آموزان (به طور کلی) رابطه وجود دارد؟

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع علی یا پس از وقوع و نیز همبستگی است به طوری که در تعیین رابطه میان متغیرهای قدرت خوانایی و پیشرفت تحصیلی از روش همبستگی و در بررسی تأثیر زبان در قدرت خوانایی و پیشرفت تحصیلی از روش علی یا پس از وقوع استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل تمام دانش آموزان دختر چهارم ابتدایی کرد زبان و آذری زبان، به عنوان مناطق دوزبانه و فارس زبان به عنوان منطقه یک زبانه به ترتیب در شهرهای مهاباد، مراغه و منطقه ۹ تهران که تا حدودی از لحاظ بافت اجتماعی و اقتصادی با همدیگر هم تراز و شبیه به هم بودند، است. جامعه دانش آموزان بر اساس آماری که از واحد محاسبات آماری آموزش و پرورش شهرستانها در سال ۱۳۹۱ اخذ شده است، به ترتیب در تهران (منطقه ۹) حدود ۲۰۰۰ دانش آموز، مهاباد ۱۶۰۰ دانش آموز و مراغه ۱۴۰۰ دانش آموز بوده است.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. این روش در داخل شهرهای مذکور انجام شده یعنی از میان مدارس گوناگون چند مدرسه و از میان آنها تعدادی کلاس (بسته به حجم نمونه) انتخاب شده است و همه دانش آموزان کلاسها در داخل نمونه قرار گرفته‌اند. حجم نمونه پس از مشخص شدن جامعه آماری بر اساس فرمول کوکران ۳۵۷ نفر برآورد شده اما برای جلوگیری از افت نمونه، نمونه تحقیق به ۴۳۰ نفر افزایش یافته است. نمونه‌های هر شهر در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱. فراوانی و درصد فراوانی نمونه‌های آماری

زبان دانش آموز	فراوانی	فراوانی درصدی
فارس زبان	۱۵۳	۳۵/۶
کرد زبان	۱۴۵	۳۳/۷
آذری زبان	۱۳۲	۳۰/۷
جمع	۴۳۰	۱۰۰

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از دو نوع ابزار اندازه‌گیری استفاده شده است:

ابزار اول: داده‌های مربوط به قدرت خوانایی کتاب فارسی با استفاده از آزمونی که بر اساس روش کلوز طراحی شده بود، به دست آمده است. در روش کلوز متنهای نسبتاً طولانی از قسمتهای متفاوت کتاب درس که هنوز به فراگیران تدریس نشده است، انتخاب می‌شود. اولین جمله هر متن را به همان حالت نوشته و پس از آن در جملات بعدی دهمین کلمه حذف می‌شود، سپس به فراگیران مربوط ارائه می‌گردد تا با کلمات مناسبی که به ذهنشان می‌رسد، آن را تکمیل نمایند. لذا سه متن از قسمتهای گوناگون (اول، وسط، آخر) کتاب فارسی پنجم انتخاب شده است.^۱ در مجموع ۵۰ جای خالی در این آزمون منظور شد که دانش آموز می‌بایست در هر جای خالی کلمه صحیح یا هم خانواده آن را می‌نوشت. نحوه نمره گذاری از ۵۰ در نظر گرفته شد که بعد از تعیین میانگین کلاس به درصد تبدیل شد. با توجه به درصد تشکیل شده با استفاده از مقیاس زیر، قدرت خوانایی کلاس تعیین می‌شود (فتحی آذر، ۱۳۸۱):

در سطح مستقل	در سطح آموزش	در سطح ناامید کننده
۱۰۰	۶۰	۴۰
درصد نمرات		

با اجرای آزمون طراحی شده بر اساس شیوه کلوز (به صورت انفرادی یا گروهی)، سه سطح خوانایی مشخص می‌شود:

(الف) سطح خواندن ناتوان که آزمودنی تنها می‌تواند کمتر از ۴۰٪ لغات را بشناسد. (به راحتی نمی‌تواند متن مورد نظر را بخواند و درک کند و لذا حالت یأس و ناامیدی در او به وجود می‌آید)
 (ب) سطح خواندن آموزشی که آزمودنی قادر است ۴۰ تا ۶۰٪ لغات را بشناسد (فرد به طور مستقل قادر به خواندن متن نیست اما اگر کمکی به او شود خواهد توانست متن را بخواند و درک کند. در نتیجه اگر معلم در چگونگی خواندن متن به دانش آموز کمک کند به تدریج مشکلات خواندن او حل خواهد شد).

(ج) سطح خواندن مستقل که آزمودنی قادر است ۶۰ تا ۱۰۰٪ لغات را بشناسد (او نیاز به کمک دیگران مانند معلم ندارد و به طور مستقل متن را می‌خواند و درک می‌کند).

۱. زمان اجرای این آزمون در ابتدای سال تحصیلی بوده است؛ قبل از اینکه فراگیران درس مربوطه را فراگرفته باشند.

در این پژوهش برای تهیه متن و آزمون کلوز از کتاب فارسی پنجم ابتدایی برای دانش آموزانی که کلاس چهارم را تمام کرده اند و قرار بود در کلاس پنجم شروع به تحصیل نمایند، استفاده گردید. روایی این روش به صورت محتوایی و از سوی چند نفر متخصص مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز از طریق ضریب همبستگی آزمون-آزمون مجدد، محاسبه و همبستگی $r=0/48$ به دست آمد که در سطح $0/95$ معنادار بود.

ابزار دوم: داده‌های مربوط به عملکرد تحصیلی گروههای نمونه تک‌زبانه و دوزبانه (کرد زبان و آذری زبان) در درس فارسی، با بهره‌گیری از آزمون معلم ساخته اندازه‌گیری گردید. بدین منظور، آزمونی از سوی یک نفر معلم مجرب طراحی شد. روایی این آزمون به صورت محتوایی و توسط چند نفر معلم مجرب و متخصص مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با روش دو نیمه کردن و محاسبه همبستگی $r=0/66$ محاسبه گردید.

روش اجرا

همانگونه که گفته شد، داده‌ها و اطلاعات مربوط به این پژوهش از طریق دو نوع آزمون گردآوری شده اند. لذا پس از انتخاب نمونه‌ها از جامعه آماری، با حضور پژوهشگر، آزمون اجرا شده و پس از گردآوری، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به سؤالات پژوهشی ۱ و ۳ از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ...) استفاده شده است. در سؤال اول پس از مشخص شدن میانگین گروهها هر یک از میانگینهای مربوطه به درصد تبدیل شده است تا مشخص شود قدرت خوانایی هریک از گروهها در چه سطحی است و برای سؤالات ۲ و ۴ از تحلیل واریانس یک طرفه و برای سؤال ۵ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: میزان قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه در درس فارسی پنجم ابتدایی چگونه است؟

جهت ارزیابی سؤال اول پژوهش از آماره‌های توصیفی استفاده شده است. شاخصهای توصیفی گروهها به صورت کلی (میانگین، واریانس، انحراف استاندارد، جدول فراوانی و...) در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخصهای توصیفی قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه

میانگین	درصد	خطای استاندارد میانگین	میان	واریانس	انحراف استاندارد	دامنه تغییرات
۲۲/۱۰	٪۴۴/۲	۰/۴۵۴	۲۳/۰۰	۳۱/۵۳۳	۵/۶۱۵	۲۹
۱۸/۵۷	٪۳۷/۱۴	۰/۵۲۳	۱۸/۰۰	۳۹/۶۹۲	۶/۳۰۰	۲۶
۱۸/۹۲	٪۳۷/۸۴	۰/۴۹۵	۱۹/۰۰	۳۲/۳۰۶	۵/۶۸۴	۲۶
۱۹/۹۳		۰/۲۹۳	۲۱/۰۰	۳۶/۹۷۹	۶/۰۸۱	۳۵

براساس یافته‌های جدول ۲ میانگین قدرت خوانایی دانش آموزان فارس زبان ۲۲/۱۰، دانش‌آموزان کردزبان ۱۸/۵۷، دانش آموزان آذری زبان ۱۸/۹۲ و میانگین کل دانش آموزان ۱۹/۹۳ است. با تبدیل میانگین به درصد نتایج نشان داد که قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه (فارس زبان) با ٪۴۴/۲ در سطح آموزشی قرار دارد و دانش آموزان دوزبانه (گروههای کرد و آذری زبان) به ترتیب با ٪۳۷/۱۴ و ٪۳۷/۸۴ در سطح ناامید کننده اما نزدیک به سطح آموزشی قرار دارند.

سؤال دوم: آیا بین قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه در درس فارسی پنجم ابتدایی تفاوت وجود دارد؟

جدول ۳. آزمون واریانس یک طرفه برای تعیین تفاوت میان قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه

قدرت خوانایی	مجموع مجذورها	Df	میانگین مجذور	F	Sig
واریانس میان-گروهی	۱۱۲۴/۶۶۷	۲	۵۶۲/۳۳۳	۱۶/۲۹۱	۰/۰۰۱
واریانس درون-گروهی	۱۴۷۳۹/۲۴۰	۴۲۷	۳۴/۵۱۸		
جمع	۱۵۸۶۳/۹۰۷	۴۲۹			

با توجه به اطلاعات جدول ۳، چون F مشاهده شده در سطح $P \leq ۰/۰۵$ معنادار است؛ بنابراین می‌توان گفت که میان قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۴. آزمون LSD برای تعیین تفاوت میان قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه

زبان دانش آموز	تفاوت میانگین	خطای استاندارد میانگین	sig
کرد زبان	۳/۵۳۲۵	۰/۶۸۰	۰/۰۰۱
آذری زبان	۳/۱۸۱۳	۰/۶۹۷	۰/۰۰۱
کرد زبان	۰/۳۵۱۱	۰/۷۰۶	۰/۶۲۰

براساس یافته‌های جدول ۴ میان قدرت خوانایی دانش آموزان کرد و فارس زبان و همچنین دانش‌آموزان آذری و فارس زبان ($p=0/001$) تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به داده‌های به‌دست آمده از جدول شماره ۲ می‌توان گفت که میانگین قدرت خوانایی دانش‌آموزان فارس زبان بالاتر از دانش‌آموزان دو زبانه کرد و آذری زبان است و میان دانش‌آموزان دو زبانه کرد و آذری زبان تفاوتی از لحاظ قدرت خوانایی وجود ندارد.

سؤال سوم: میزان پیشرفت تحصیلی درس فارسی دانش‌آموزان چهارم ابتدایی یک زبانه و دوزبانه چگونه است؟

جهت دستیابی به جواب سؤال سوم پژوهش از آماره‌های توصیفی استفاده شده است. جدول شماره ۵ این داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۵. شاخصهای توصیفی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یک زبانه و دو زبانه در درس فارسی

میانگین	خطای استاندارد میانگین	میان	واریانس	انحراف استاندارد	دامنه تغییرات
۱۴/۵۵۷	۰/۱۹۹	۱۵/۰۰۰	۶/۱۰۵	۲/۴۷۰	۱۳/۷۵
۱۳/۴۵۳	۰/۲۶۰	۱۳/۷۵۰	۹/۸۴۱	۳/۱۳۷	۱۵
۱۴/۴۳۸	۰/۲۲۵	۱۵/۰۰۰	۶/۶۹۵	۲/۵۸۷	۱۳/۱۳
۱۴/۱۴	۰/۱۳۴	۱۵/۰۰۰	۷/۷۵۹	۲/۷۸۵	۱۶/۲۵

با توجه به داده‌های جدول مشاهده می‌شود که میانگین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان فارس زبان ۱۴/۵۵، دانش‌آموزان کرد زبان ۱۳/۴۵ و دانش‌آموزان آذری زبان ۱۴/۴۳ است و میانگین پیشرفت تحصیلی کل دانش‌آموزان ۱۴/۱۴ است.

سؤال چهارم: آیا بین پیشرفت تحصیلی درس فارسی دانش‌آموزان چهارم ابتدایی یک زبانه و دوزبانه تفاوت وجود دارد؟

جدول ۶. تحلیل واریانس یک طرفه برای تعیین میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یک زبانه و دو زبانه در درس فارسی

نمره پیشرفت تحصیلی	مجموع مجذورها	Df	میانگین مجذور	F	Sig
واریانس میان-گروهی	۱۰۶/۶۰۵	۲	۵۳/۳۰۲	۷/۰۶۴	۰/۰۰۱
واریانس درون-گروهی	۳۲۲۲/۱۰۱	۴۲۷	۷/۵۴۶		
جمع	۳۳۲۸/۷۰۵	۴۲۹			

با توجه به اطلاعات جدول ۶، چون F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بوده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۷. آزمون LSD برای تعیین رابطه پیشرفت تحصیلی میان دانش آموزان دوزبانه

زبان دانش آموز	تفاوت میانگین	خطای استاندارد میانگین	sig
فارسی زبان	۱/۱۰۳	۰/۳۱۸	۰/۰۰۱
آذری زبان	۰/۱۱۸	۰/۳۲۶	۰/۷۱۷
ترک زبان	۰/۹۸۴	۰/۳۳۰	۰/۰۰۳

براساس یافته‌های جدول شماره ۷ که با استفاده از آزمون LSD به دست آمده است، میان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کرد و فارسی زبان ($p=0/001$) و کرد و ترک زبان ($p=0/009$) تفاوت وجود دارد ولی میان دانش‌آموزان فارس و آذری زبان تفاوت معنادار مشاهده نشد. این نشان می‌دهد که پیشرفت تحصیلی گروه فارس زبان و ترک زبان بالاتر از گروه کرد زبان می‌باشد.

سؤال پنجم: آیا بین قدرت خوانایی با پیشرفت تحصیلی درس فارسی دانش‌آموزان (به طور کلی) رابطه وجود دارد؟

جدول ۸ ضریب همبستگی پرسون برای بررسی رابطه میان نمرات قدرت خوانایی و پیشرفت تحصیلی

متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری (دو دانه)
قدرت خوانایی	۰/۶۸	۰/۰۰۱
پیشرفت تحصیلی		

$P \leq 0/05$

یافته‌های جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که همبستگی (r_{xy}) محاسبه شده میان متغیرهای قدرت خوانایی و پیشرفت تحصیلی برابر با ($r_{xy}=0/68, p \leq 0/05, sig=0/001$) است و از آنجا که مقدار ($p=0/001$) از سطح معناداری ۰/۰۵ کوچک‌تر است، بنابراین رابطه ای معنادار میان قدرت خوانایی فراگیران (به طور کلی) با پیشرفت تحصیلی وجود دارد. یعنی هرچه قدرت خوانایی فرد بالاتر باشد، پیشرفت تحصیلی او نیز بالاتر خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

مهارت در خواندن از مهم‌ترین نیازهای یادگیری دانش‌آموزان در زندگی است. توانایی درک مطلب، تفسیر و استنتاج از متون درسی و غیر درسی، دانش‌آموزان را با افکار و اطلاعات جدید آشنا می‌کند و به آنان یاری می‌رساند تا «بهبتر اندیشیدن» و «بهبتر زیستن» را بیاموزند. هدف این

مطالعه، مقایسه قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه در درس فارسی پایه پنجم ابتدایی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه (فارسی زبان) با ۴۴/۲٪ در سطح آموزشی و قدرت خوانایی دانش آموزان دوزبانه کرد و آذری زبان به ترتیب با ۳۷/۱۴٪ و ۳۷/۸۴٪ در سطح ناامید کننده اما نزدیک به سطح آموزشی قرار دارد. مقایسه این میانگینها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس نشان داد که میان قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه فارسی و دانش آموزان دو زبانه آذری و کرد تفاوت وجود دارد، به طوری که قدرت خوانایی متن در دانش آموزان یک زبانه بیشتر از گروههای دو زبانه است.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که متن کتاب فارسی پنجم بر پایه توانایی دانش‌آموزان فارسی زبان نوشته شده و به توانایی این گروه نزدیک‌تر است و کاملاً برای دانش‌آموزان دو زبانه کرد و آذری که زبان اول آنها غیر فارسی است، نامناسب است؛ به طوری که حتی با کمک معلم هم امکان یادگیری برای دانش آموزان دوزبانه دشوار است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که باید توجهی خاص به قدرت خوانایی دانش آموزان دوزبانه بشود. یکی از دلایل بالا بودن قدرت خوانایی دانش آموزان یک زبانه این است که زبان اول و زبان مادری این گروه فارسی است و با زبان رسمی آموزشی کشور یکی است. چنانچه زبان آموزش با زبان اول دانش آموز یکسان نباشد، شرایطی بسیار متفاوت پدید می‌آید. یافته‌های به دست آمده همسو با یافته‌های نتایج پژوهش نیکول^۱ (۲۰۰۱) است که فراگیران او وضعیتی مشابه کودکان دو زبانه ایرانی داشتند. او گزارش کرد که کودکانی که در خانه و مدرسه و محیط زندگی به زبان اول سخن می‌گویند به دلیل تبحر نیافتن در عناصر گفتاری زبان دوم با مشکل مواجه می‌شوند و این سبب می‌شود که آنها در خواندن متن، ضعیف‌تر عمل کنند و از واجهای زبان مادری خود برای خواندن متون زبان دوم استفاده کنند. در توجیه نتایج به دست آمده می‌توان به یافته‌های وینستوک^۲ (۲۰۰۹) و وینسکل^۳ و همکاران (۲۰۰۹) نیز اشاره کرد که یافته‌های آنها با یافته‌های این پژوهش همسویی دارد.

اما نتایج این پژوهش با یافته‌های بیالستوک^۴ (۲۰۰۲) و ون آش^۵ و همکاران (۲۰۰۹) ناهمخوان است. یافته‌های پژوهشی آنها قدرت خوانایی را در دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه متفاوت نشان

1. Nichol
2. Weinstock
3. Winskel
4. Bialystok
5. Van Assche

نمی‌دهد. در توجیه همسو نبودن نتایج پژوهشی بیالستوک و وان آشه و همکاران با یافته‌های به دست آمده در پژوهش حاضر می‌توان گفت که دانش آموزان مورد مطالعه هر دو زبان را به صورت همزمان آموخته بودند.

یافته‌های مربوط به سؤال سوم و چهارم پژوهش نشان داد که میانگین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یک زبانه ۱۴/۵۵ و میانگین دو زبانه‌ها در گروه آذری زبان ۱۴/۱۴ و در گروه کرد زبان ۱۳/۴۵ است که بیانگر بالا بودن نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان فارسی زبان نسبت به سایر گروه‌های مورد مطالعه بوده است. همچنین نمرات پیشرفت تحصیلی گروه‌های مورد مطالعه با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه مورد مقایسه قرار گرفت و نتایج نشان داد میان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یک زبانه و دو زبانه تفاوت معنادار وجود دارد. برای تعیین تفاوت میان گروه‌ها، اجرای آزمون LSD نشان داد که میان نمرات دانش‌آموزان فارسی زبان با کردزبان تفاوت معنادار است اما تفاوت میان نمرات گروه فارسی زبان و آذری زبان معنادار نیست.

نتایج این تحقیق در مورد وجود تفاوت معنادار میان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه با یافته‌های پیل و لمبرت^۱ (۱۹۶۷) همسوست. آنان نشان دادند که کمبود مهارت دوزبانه‌ها در زبان سبب کمتر شدن رتبه آموزشی دانش‌آموزان می‌شود. همچنین با یافته‌های آنلی، فرمن و شورت (۱۹۸۷) (نقل از ادیب، ۱۳۷۲) که نتایج آن حاکی از پیشرفت تحصیلی بالاتر دانش‌آموزان عادی بوده است، همسوست؛ اما این نتایج با یافته‌های اسپورل (۱۹۶۴) (نقل از مجدی و همکاران، ۱۳۹۳) همخوانی ندارد. یافته‌های پژوهش اخیر نشان داده‌اند که دوزبانه‌ها عملکرد تحصیلی بهتری داشته‌اند.

در ارتباط با سؤال پنجم اجرای آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که ضریب همبستگی میان قدرت خوانایی و پیشرفت تحصیلی در سطح ۰/۶۸ معنادار است. یعنی هر قدر میزان قدرت خوانایی دانش‌آموزان بیشتر باشد، پیشرفت تحصیلی آنها نیز بالاتر خواهد بود و به عکس. براساس این نتایج می‌توان گفت که مشکلات خواندن مهم‌ترین عامل عدم موفقیت در مدرسه است. این مشکلات ساده‌ترین نشانه‌ای است که از طریق آن می‌توان شکست کودک را در بسیاری از زمینه‌های تحصیلی پیش‌بینی کرد.

این یافته‌ها با نتایج تحقیق کالج کوچیس^۱ (۱۹۹۰) درباره رابطه میان درک خواندن و موفقیت تحصیلی همسویی دارد. بر اساس نتایج پژوهش آن کالج آزمون درک خواندن قدرت پیش‌بینی کنندگی پیشرفت و موفقیت تحصیلی را دارد. همچنین این نتایج با یافته‌های تحقیقات گوگلیلمی^۲ (۲۰۰۸) نیز همخوانی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه ای مستقیم و همبستگی معنادار میان خواندن یا قدرت خوانایی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد و هر چه قدرت خوانایی و درک خواندن فرد بیشتر باشد، پیشرفت تحصیلی او نیز بیشتر خواهد بود. در نتیجه می‌توان گفت که مشکلات خواندن شاید بیش از سایر مشکلات اختصاصی یادگیری در حوزه‌های گوناگون مانع پیشرفت تحصیلی می‌شود. همچنین فراگیری که مطالب را بهتر درک می‌کنند، آمادگی بیشتری برای حضور در کلاس دارند، بیشتر در کلاس مشارکت می‌کنند، واقعی‌تر و کامل‌تر یادداشت‌برداری می‌کنند و پیشرفت تحصیلی بهتری دارند (کالج موسکینگام^۳، ۲۰۰۰).

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش با محدودیتهایی مانند قابل تعمیم نبودن نتایج پژوهش به کل جامعه‌های دوزبانه و یک‌زبانه روبه‌رو بوده است، زیرا محدود بود به دانش آموزان دختر شهرهای مراغه، مهاباد و منطقه ۹ تهران و همچنین به متون کتاب فارسی پنجم ابتدایی. بنابراین نتایج آن قابل تعمیم به فراگیران پسر و متون فارسی سایر سطوح تحصیلی ابتدایی نیست.

پیشنهادهای

۱. کتاب درس فارسی مطابق با قدرت خوانایی دانش آموزان دوزبانه و متناسب با سطح توانایی آنها تهیه شود.
۲. متخصصان و برنامه‌ریزان کتابهای درسی به زبان مادری دانش آموزان توجه کنند.
۳. همراه با زبان رسمی کشور، به آموزش زبان مادری هم پرداخته شود. تحقیقات نشان داده است که افرادی که به زبان مادری آموزش می‌بینند، در آموزش زبانهای دیگر موفق ترند.
۴. در تدوین متون درسی از واژگان مشترک میان زبان رسمی و زبان مادری استفاده شود.
۵. دوره‌هایی برای معلمان گذاشته شود که علاوه بر شیوه‌های تدریس، راهکارهای افزایش قدرت خوانایی دانش آموزان دوزبانه نیز به آنها آموزش داده شود.

1. Cochise College
2. Guglielmi
3. Muskingum

۶. لازم است برنامه و کتاب درسی مستقلی برای آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه تهیه شود.

۷. معلمان باید بومی باشند و بر هر دو زبان تسلط کامل داشته باشند.

۸. کلاسهای جبرانی برای این مناطق برگزار شود.

۹. در مراکز پیش دبستانی و مهدکودکها از شیوه‌های بصری و تصویری برای آموزش زبان دوم بهره‌گیری شود.

منابع

- ادیب، یوسف. (۱۳۷۲). مقایسه تأثیر دوره آمادگی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوزبانه و یک‌زبانه مقطع ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- دیباچی صابر، محسن. (۱۳۹۰). انطباق محتوای کتابهای فارسی جدید دوره ابتدایی در پایه‌های سوم و چهارم با مهارت سواد خواندن بر اساس مطالعه بین‌المللی پرلز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه بیرجند.
- سبحانی، عبدالرضا؛ احمدی، امینه و صفرپور، بهشته. (۱۳۹۱). تبیین رابطه بعد فراشناختی برنامه درسی پنهان با مهارت خواندن دانش آموزان چهارم ابتدایی دوزبانه. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۶ (۱)، ۷۱-۸۶.
- فتحی آذر، اسکندر. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی فراگیران کشورهای جهان سوم. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۳۶ (۱۴۸-۱۴۹)، ۱۰۳-۱۲۴.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۷ الف). نتایج مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (پرلز)، مهم‌ترین یافته‌های ملی و بین‌المللی پرلز ۲۰۰۶ در مقایسه با پرلز ۲۰۰۱. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- _____ (۱۳۸۷ ب). نگاهی به جایگاه و عملکرد دانش آموزان ایرانی در مطالعات تیمز و پرلز. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کیامنش، علیرضا و نامداری پژمان، مهدی. (۱۳۹۰). ارتباط عوامل شناختی فردی و خانوادگی با ابعاد درک مطلب خواندن دانش آموزان چهارم ابتدایی شرکت‌کننده در مطالعه پرلز ۲۰۰۶. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۵ (۲۰)، ۳۷-۵۷.
- مجدی، هنده؛ ارزجانی، زهرا و اسماعیل‌پور، مائده. (۱۳۹۳). هوش هیجانی و تعداد زبان: بررسی هوش هیجانی در دانش آموزان دوزبانه و تک‌زبانه، مجله رشد آموزش، ۹ (۴)، ۱۶-۱۹.
- مهدی زاده، حسین؛ فیضی، فرخ و اسلام پناه، مریم. (۱۳۹۰). آموزش به شیوه حرف-هجا-کلمه با کمک چندرسانه‌ای‌های دیجیتال و تأثیر آن در پیشرفت خواندن دانش آموزان پایه اول ابتدایی. فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۱ (۳)، ۱۴۵-۱۶۳.
- میلر، جی. پی. (۱۳۸۹). نظریه‌های برنامه درسی، (ترجمه محمود مهرمحمدی). تهران: انتشارات سمت.
- نجفی پازوکی، معصومه؛ درزی، علی؛ دستجردی، مهدی؛ سعادت‌نیا شامیر، ابوطالب و دانای طوسی، مریم. (۱۳۹۲). درک نحوی، حافظه فعال و درک متن. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۲ (۴۵)، ۶۱-۸۳.
- Ayodele, M.O. (2013). A comparative study of textbook readability and students' comprehension levels in senior secondary school biology. *Journal of Educational and Social Research*, 3(1), 109-114.
- Bialystok, E. (2002). Acquisition of literacy in bilingual children: A framework for research. *Language learning*, 52(1), 159-199.
- Cochise College (1990). *A report on reading comprehension and academic success*. ERIC Doc. ED 317 236.
- Guglielmi, R.S. (2008). Native language proficiency, English literacy, academic achievement, and occupational attainment in limited-English-proficient students: A latent growth modeling perspective. *Journal of Educational Psychology*, 100(2), 322-342.

- Muskingum College (2000). *General-purpose learning strategies: Reading comprehension*. Retrieved from www.muskingum.edu/cadetauase/reading.comp.htm
- Nichol, J. L. (2001). *One mind, two languages: Bilingual language processing*. Oxford: Blackwell.
- Peal, E., & Lambert, W. E. (1967). The relation of bilingualism to intelligence. In J. Michel (Ed.), *Foreign language teaching: An anthology* (pp. 143-191). New York: Macmillan.
- Perekeme, B.A.D., & Agbor, C. A. (2012). Readability of language textbooks prescribed for junior secondary schools and students' performance in reading comprehension in Bayelsa State, Nigeria. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 9(1), 89-96.
- Tabatabaei, E., & Bagheri, M. (2013). Readability of reading comprehension texts in Iranian senior high schools regarding students' background knowledge and interest. *Journal of Language Teaching and Research*, 4(5), 1028-1035.
- Van Assche, E., Duyck, W., Hartsuiker, R., & Diependaele, K. (2009). Does bilingualism change native-language reading? Cognate effects in a sentence context. *Psychology Science*, 20(8), 923-927.
- Weinstock, D. (2009). *A comparison of special education services and school achievement among Yiddish-English bilinguals, Spanish/English bilinguals, and monolingual English speakers*. Doctoral dissertation, North Central University, Minneapolis, Minnesota, USA.
- Winkel, H., Radach, R., & Luksaneeyanwin, S. (2009). Eye movements when reading spaced and unspaced Thai and English: A comparison of Thai-English bilinguals and English monolinguals. *Journal of Memory and Language*, 61, 339-351.
- Ziriki, L. J. (2009). *Readability levels in selected novels and plays in Bayelsa State secondary schools*. Unpublished Ph.D. dissertation, University of Port-Harcourt, Nigeria.

